



با آذر گفتگاو

با آذر گفتگو: گفتگو با مدیران ارشد

خبرگزاری آذر

۲۹۳

ISSN 2008-1022

۲۰ تیرماه

سال هفتم، شماره ۲۹۴، پخش ۱۳ شهریور ۱۳۸۸

مدارس غیرانتفاعی و صنایع وابسته

مدیریت فرهنگی آذربایجان شرقی در انتظار تغییر

کارت سوخت، سهمیه بندی بنزین و ظهور امام زمان (ع)



- ▶ دستاوردی به نام ملاقات با امام زمان (عج)
- ▶ توسعه یعنی اتوبوس!
- ▶ رقم‌های میلیاردی شار فوئالیست‌ها
- ▶ شما کدام طرفی هستید؟
- ▶ میم مثل مری
- ▶ ساققیز مانند پنی سیلین است



شما کدام طرفی هستید؟

بعضی روزها هم خبری از کار نیست و تا شب علافی. بیه هم که نیستی؟ هنوز نه. اما قبل از ازدواج خودم را بسید می‌کنم. بدات هست که در کودکی آرزو داشتم بچگانه شوی؟ خیلی دلت خوشه‌ها، بابا ما! بهروز را برایتان ریست کنم.

با اینکه پاسی از شب گذشته بود اما هنوز بخار از سر سماور بهمن قهوه چپی بلند می‌شد و خودش روی تخت چپویی یا پاهای دراز کرده قلیان را جاق کرده بود و در حالی که به صحبت‌های من و بهروز گوش می‌داد، گاه گاه به آن یک می‌زد. غیر از بهمن قهوه چپی، دوسه نفر از قلیان کشهای قهار و حرفه ای هم آن سوئر مشغول بودند. صدای قلقل قلیان فاصله های کوتاه سکوت بهروز را پر می‌کرد. بهروز سوئر، اسکان چایی را سر کشید و گفت: من آماده ام، دکه ضبط را بزن.

اما باقی ماجرا... گفتی همه چیز خوب پیش می‌رفت که اتفاق افتاد، اتفاق چه بود؟ آن روز صبح که به اداره رفتم، در پله ها می‌ایستادم و دیدم که یار دبیب، راننده زبستی در حالی که به خودش و رئیس اداره فحش می‌داد از پله ها سرازیر بود. مدیر امور اداری هم پشت سر راننده راه افتاده بود و از او می‌خواست که کوتاه بیاید. معلوم نبود دعوا سر چیست، به من هم ربطی نداشت، سرم را انداختم پایین و رفتم تخلیه و اولین برگ ماموریت آن روز را گرفتم و به همراه یکی از کارکنان زدم به شهر.

همین؟ بعد چی شد؟ ظهر که به اداره برگشتم، رئیس تخلیه قهوه خوردم را به دفتر رئیس معرفی کن، پرسیدم خبری شد؟ گفت از امروز راننده زبستی تو هستی. خواستم پرسیم قضیه راننده قبلی چه بود که به حرم گوش نکرد و با تحکم گفت: برو... برو بذار برای بعد. از همان روز من شدم راننده زبستی. هر روز صبح از دم در خانه‌شان سوارش می‌کردم می‌برد اداره سپس بر می‌گشتم و پسر و دخترش را به مدرسه می‌رساندم.

بعد از اینکه صبحانه را در اداره می‌خوردم خاتمش را بازار می‌بردم، به خیاط می‌بردم، به مهمانی می‌بردم، به کافی شاپ می‌بردم، به کسرت می‌بردم... من جرات اعتراض نداشتم، برای همین سر ماه حقوقم را که گرفتم قید اداره و بیمه و سابقه را زدم و بیکان قراضه پدر را فروختم و این وقت را خریدم و زدم به جاده.

چرا...؟ می‌توانستی جاییت را عوض کنی. ول کن بابا. ما این کاره نیستیم. همان بهتر که به جای این خور دولت بودن، آدم توکلش به خدا باشد و هر صبح که از خانه در می‌آید امیدوار به او باشد. هر روز چقدر کار می‌کنی؟ معلوم نمی‌شد، بعضی روزها ۱۰ تومان، ۲۰ تومان

چرا... اگر امکانش هست کاری‌کننده کارهای آرام بخش و ضد الفسردگی این قدر فکر نکنی. قاجانی نماند که ما برای خرید آنها مجبور شویم به شهرزدان نخرانجی که به ایران می‌آیند سفارش خرید بدهیم. خوب این چه ربطی داره؟ بابا تلویزیونمان که صبح تا شب کارش بخشش گریه و زاری است، سر کوجه هم اگر باشیم مامور نیروی انتظامی سر می‌رسد، پارک هم وضع به همین منواله، مسافرت خارج هم که مال از ما بهرتران، برای سفر در داخل کشور هم که پول نداریم... باین اوضاع اختصاص برای آدم می‌ماند؟ نه تو بگو، مردم ایران چه کنایه دارند که در شرایطی امید به زندگی از کشور می‌روند؟ مثل عربستان هم عقند؟ ...!

نه دیگه توجه نکن. من خودم آخر توچیه، می‌خواهی می‌شود و رفتن از استوئان نشکر کنم... می‌خواهی من هم مثل این استوئل و جویهای کلیشهای رادیو و تلویزیون بگم که وقتش را زیاد کند... بابا ما جماعت چطوریم بعضی‌ها را حالی کنیم که مردم ما تفریح ندارند و اگر قرار باشد هر هفته ای صبح تا شب از رادیو و تلویزیون مارش عزرا بنزید باید به داروی



هفته نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی سخن نگاران طبری

مدیرسوز: معصومه طبری

سرمدیر: روح الله رشیدی زین نظر شورای سیاستگذاری

امروز می‌میری: طراحان: گبرگ نام: چاپ: چشم انداز
نشانی الکترونیکی: Azar@am@gmail.com
نشانی: تیریز، شرقی جنوبی، کوچه ارک، پناه فرهنگی طوی
تلفن: (۰۲۱) ۵۵۵۵۵۵۳۳ - فاکس و پست الکترونیک: ۰۲۱۵۵۵۵۴۴۴



دستاویزی به نام ملاقات با امام زمان(عج)

از جمله دلمشغولی‌های دائمی بخشی از شیعیان، موضوعی به نام «ملاقات با امام زمان(عج)» است. اتفاقاًسخن گفتن از این موضوع، جذابیت‌های خاص خود را دارد. به تعبیری حتی جذاب‌ترین بخش از دفتر انتظار هست. همه روزه بحث‌های فراوانی هم در باب اینکه چه کسانی امام را دیده‌اند، در محافل مختلف مطرح می‌شود. از این اوضاع، چنین برمی‌آید که گویا مسئله ی «دیدن امام عصر(عج)» اصلی‌ترین دغدغه‌ی شیعیان بوده و تمام تلاش‌ها نیز در همین جهت معطوف اند. به دنبال شیوع تفکر «اصالت دیدار با امام زمان»، اهداف و زمینه‌های متعالی انتظار موعود، در حد نقل وریوهای شبانه عده‌ای تزلزل داده شده است. نسل جدید نیز با مشاهده‌ی این وضعیت، چنین می‌پندارد که مهدویت، موضوعی فانتزی است که به درد پر کردن اوقات فراغت می‌خورد!

کسی که در این فضا تربیت می‌شود،هیچ تکلیفی در قبال سازندگی فردی و اجتماعی بر دوش خود احساس نمی‌کند و هم‌ فَم خود را بر «دیدن» حضرت می‌نهد. گرایشات سطحی به مهدویت، در قالب کتاب‌های متعدد در جامعه تبلیغ می‌شود. کتاب‌هایی که حاوی نقل قول‌هایی در باب دیدار اشخاص با امام زمان(عج) بوده و ذهنیت مخاطب را به سمت و سوی خیال و رویا هنمون می‌شوند.

متأسفانه، در سال‌های اخیر و به دنبال گسترش موعودگرایی در میان جوانان، این تفکر سطحی نیز در حال گسترش بوده است. دیگر صحبت از «امید به آینده» و زمینه سازی برای ظهور در میان نیست. اهمیتی به مسئولیت‌پذیری در جامعه ی پیش از موعود داده نمی‌شود.

علیرغم اینکه صدها و هزاران گروه کور در مدیریت جامعه وجود دارد، انگیزه‌ای برای گشایش‌ها در نسل جدید دیده نمی‌شود؛ گروه‌هایی که هر کدام می‌تواند مانی برای ظهور منجی محسوب شود.

از دیرباز، موضوع «موعودگرایی» اصلی‌ترین محرک برای تغییر وضع موجود بوده و منتظرین واقعی، برای آماده‌سازی جامعه جهت ظهور، اقدام به رفع موانع و بهبود وضع موجود می‌کنند. اما متأسفانه، تصویرسازی اَشباه و تحریف شده از این موضوع، جهت جریان انتظار را دقیقاً در جهت عکس آن هدف اصلی سامان داده و عناصری بی‌انگیزه و سست را به میدان اداری جامعه گسیل داشته است.

در آرزوتر اینکه، حتی بعضی بزرگان و مشاهیر نیز از موضوع عظیم مهدویت، تنها به نقل مسائل حاشیه‌ای و بی‌اهمیتی همانند تشریح ملاقات‌های صورت گرفته با امام‌عصر(عج) تمایل نشان می‌دهند.

البته‌این نوع برخورد، طبیعی به نظر می‌رسد. معمولاً انسان‌ها خود را در معرض مسئولیت‌های سنگین اجتماعی قرار نمی‌دهند. ناگفته‌پداست که پذیرش اصالت مهدویت و تکالیف یک منتظر، به معنی آمادگی برای تحمل مرارت‌های مبارزه با باسلما‌نهایی موجود است و کیست که به این مرارت‌ها تن دهد! پس همان بهتر که صورت مسئله را پاک‌کنند تا مشکلات پیش نیاید.

بنابر قول یکی از فضایی صاحب نام، عده‌ای از این موضوع مهدویت برای خود «دکان» ساخته و روزگاری می‌گذرانند!

این دکان داران، با بهره‌گیری از غفلت منتقدین و روشنگران، عرصه مهدویت را جولانگه تفکرات بی‌ریزه ی خود کرده و

سایه ی شوم بی مسئولیتی را بر سر جامعه می‌افکنند.

البته‌گویا چندان هم زیر ذره بین نیستند و به راحتی ویا سینه‌ای فرخ مشغول داستانسرایی هستند.

◀ متن‌نامه آثر پیام، سال‌ششم، شماره ۲۹۲، خنیشه ۱۳ اردیبهشت ۸۸ ▶



توسعه یعنی اتوبوس!

به‌بانه‌ای دیکته‌ی توسعه‌ی متله شده در تبریز

رضاخان میرنخب _ که بعداً رضاشاه شد _ عاشق نوسازی ایران بود؛ یک یک پان ایرانیست رادیکال. «تجدد» را هم می‌پرستید. اراده کرده بود تا «ایران متجدده» را بنیاد نهاد. پس ششty دلار ایتیاغ نمود و زد به رگهٔ شهر تا از این به بعد به شهرمان می‌خرد و در گوشه‌ای از ایران توزیع می‌کرد. مثلاًکارخانه ی ذوب آهن را باظانطور complete از بازارهای اروپا سفارش داده و بی‌کم و کاست مستقر می‌گرد؛بعد هم جشن می‌گرفت که «متجدد» شدید! به واقع فهم او از تجدد به همین اندازه بود نمی‌توانست به‌گونه‌ای دیگر بیندیشد. همچنانکه پیشینیان او نیز بیش از این از «تجدد» نمی‌فهمیدند. به زعم رضاشاه، تجدد نیز کالایی بود همانند سایر کالاها، که می‌شد آن را با پول خرید و بکارش گرفت. این، همان «تجدد متله شده» است که تبدیل به الگوی تغییرناپذیر «تجدد ایرانی» شد. با گذشت چند دهه از آن روزگار، همان سنت پیشین همچنان پابرجاست؛ البته با تغییراتی در صورت و ظاهر. دیگر صحبت از تجدد در میان نیست؛ امروز، کعبه‌ی آمال ما «توسعه» است. هیچ تغییری هم در «نوع» نگاه ایرانی اتفاق نیفتاده؛ توسعه‌ی ایرانی نیز همچون تجدد ایرانی است.

شه‌ریاران ما _همه‌ی آنها‌یی که شهر را می‌گردانند _ میادین شهر را تخریب می‌کنند تا خیابان‌ها را تعریض کنند؛ تا راه را برای عبور اتوبوس‌های خول پیکر «ویژه» بگشایند؛ تا شهر را «توسعه» دهند؛ تا شه‌روندان را توسعه یافته نامیند.

این، تمام منطقی است که بر منخبله‌ی شه‌ریاران ما حکومت می‌کنند. آنچه در این سیر منطقی! به مثابه‌ی «هدف» یا بهتر بگویم «آرمان» جلوه‌گری می‌کند «توسعه» است. [هدف از شه‌رزشینی، توسعه یافتگی است]

... اما آنچه شه‌ریاران ما توسعه می‌نامندش چیست؟ آیا همان است که می‌گویند در آن سوی دنیا اتفاق افتاده و آنجا را دیگرگونه کرده؟ اساساً چه تصویری از این واژه‌ی خوش منظر در میان هست؟ به نظر می‌رسد، این توسعه‌ی ای که شه‌ریاران ما برایش سر و دست و دل می‌شکنند، چیزی فراتر از همان تجدید

در اخبار مختلف شنیده‌اید که می‌گویند مثلاً کارخانه خودروسازی در فلان شهرستان افتتاح شد و ادامه می‌دهند که با افتتاح این کارخانه برای صد نفر به‌طور مستقیم و برای دوستی نفر به‌طور غیرمستقیم شغل ایجاد شد. آن دوستی نفر بقیه افراد مانند تراشکار و پرس کار و امثالهم هستند که با قبول سفارش برای آن کارخانه در حقیقت برای خودشان ایجاد شغل می‌نمایند.

اما اینجا‌جب تا این زمان نمی‌دانستم که مدارس مفید غیرانتفاعی هم علاوه بر ایجاد شغل برای برخی معلمان و لیسانس‌های یکبار، در صنایع وابسته هم ایجاد شغل می‌کنند و شغل آفرین هم هستند!

دوستم می‌گفت برای ثبت نام فرزندم در کلاس آمادگی به یکی از مدارس غیرانتفاعی رفتم [آمادگی دولتی نداریم؟] بعد از کلی چانه زنی، که اگر این فرزندم را مناسب حساب کنید مشتری می‌شویم و فامیل ما پر است از شش ساله و ما از دوستان فلا‌نی هستیم و بهمان کس فامیل ماست، بیست تومانی تخفیف گرفتیم و راضی شدیم به ثبت نام در این مدرسه.

به مسئول ثبت نام که حواله شده بودم از طرف مدیر، عرض کردم مدارک مورد نیاز را می‌فرماید تا تهیه کنیم و خدمت برسیم جهت ثبت نام بنده زاده؟

بی هیچ کلامی عینکش را زده و زوم شد روی ورقه زیر شیشه میز و گفت: برای آمادگی یک سری لوایح از قبیل مداد وکیف و آبرنگ و قیچی و غیره می‌خواهد. دست‌کزد و یک کارت از توی کشوی میز آورد و گفت: این آدرس فروشگاه لوازم التحریر فلان جاست. بروید این کارت را می‌دهید. وسایل آماده

است. می‌گیرید اول سال لازم است باید به همراه

دانش آموزان، عرض کردم از آن مغازه باید بگیریم؟ فرمود: بله. کارت را هم می‌دهید و سلام هم می‌سازید. یادتان باشد کارت را بدهید.

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

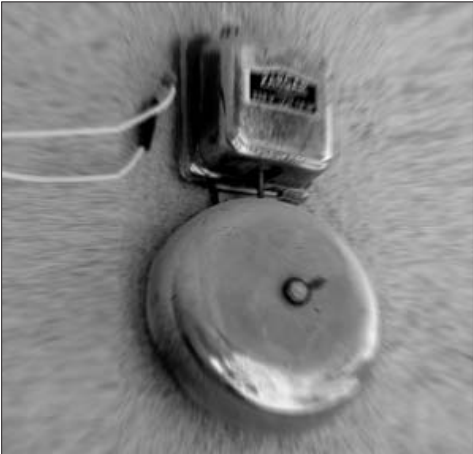
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

◀ متن‌نامه آثر پیام، سال‌ششم، شماره ۲۹۲، خنیشه ۱۳ اردیبهشت ۸۸ ▶

مدارس غیرانتفاعی و صنایع وابسته



است. می‌گیرید اول سال لازم است باید به همراه دانش آموزان، عرض کردم از آن مغازه باید بگیریم؟ فرمود: بله. کارت را هم می‌دهید و سلام هم می‌سازید. یادتان باشد کارت را بدهید.

است. می‌گیرید اول سال لازم است باید به همراه

دانش آموزان، عرض کردم از آن مغازه باید بگیریم؟ فرمود: بله. کارت را هم می‌دهید و سلام هم می‌سازید. یادتان باشد کارت را بدهید.

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

حرفش و عرض کردم عکس داریم. گفت آنها به درد نمی‌خورند. باید عکسی باشد که ما می‌خواهیم. به این عکاس گفته ایم از کدام زاویه بگیرد. عرض کردم: مگر پاسپورت است که عکس مخصوص بخواهد؟!

از زیر عینک نگاه معنی داری کرد و بنده هم ملفتش شدم که باید خفه بشوم و شدم. باز نگاه کرد به ورقه زیر شیشه و گفت: لباس! مدلت را به خیاطمان گفته ایم. عرض کردم: خیاطمان؟ مگر مدرسه خیاطی هم دارد؟! فرمود: نه خیر؛ با یکی هم از همین بقالی چسبیده به مدرسه که مال پسر موسس است می‌خرد. می‌آدا از جای دیگری بخرید که بچه مسموم می‌شود!

دوباره نگاه کرد به ورقه زیر شیشه؛ دلم هوری ریخت که حتماً آدرس کفایش و لباس زیر و حوله و لیف را می‌خواهد بدهد. که خوشبختانه این بار سرش مثل کمبرسی خالی سریع آمد بالا و گفت: همین ها را بیاورید ثبت نام می‌کنیم. پول هم به حساب بریزید و فیش را همراه داشته باشید. گفت: چشم!

تراخبدا بینداید این مدارس غیر انتفاعی چقدر ناز

هستند! هم باری از

دوش دولتم برداشته‌اند. هم ایجاد شغل می‌کنند و هم جلوی انباشت ثروت را می‌گیرند!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

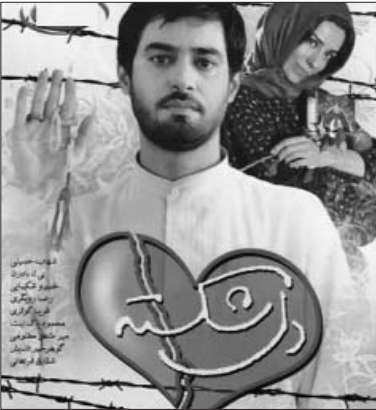
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!



همین باید باعث شده تا کار به هجو و تمسخر دو تیب متفاوت جامعه کشیده شود و تصویری واضح و واقعی از دو تیب مذکور ارائه نگردد.

بدین ترتیب ایده یزاییی مثل استخاله که در فیلم خاصی مثل «خیلی دور خیلی نزدیک» به شکل جذاب و عمیقی تصویر شده در دل شکسته‌حالت‌الصاقی و اتفاقی به خود بگیرد و در آن از منطبق‌روایی خبری نباشد.

نکته عجب اینجاست که فیلم در جاهایی حتی صحنه‌های آشنای فیلم‌های مبتذل قبل از انقلاب را در ذهن متبادر می‌سازد.

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!



سیدرضا غولیروزا4۵۲.persianblog.ir



توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!
توسعه یعنی اتوبوس!

توسعه یعنی اتوبوس!

گذری درمحله مادمیهن

مقابر مهاد مهین

:::بخش‌شم:

۲۴- مرقد و مزار ابو محمد نورالدین عبدالرحیم البرازی هم در مقبره عبدالصمد در عقب تکیه میرسید محمد مفتول بند واقع است. وی خلف (فرزند) صدق ضیاء الدین برازی بزرگ است که در سرخاب مدفون است. نسبت ارادت (مریدی) وی به والد (پدر) ماجدش بوده و به محمد مغربی نیز ارادت آورده بوده.

توضیح: نورالدین عبدالرحیم اجازه نامه ای جهت عزیزی نوشته‌که تاریخ تحریر آن ۱۶ ربیع الاول سال ۸۳۰ می‌باشد.

۲۵- مرقد و مزار علمای قالی هم در مقبره عبد الصمد واقع است. میزها بر سران مزارات واقع است. بعضی مردم آن مزارات را در محوطه منزل خود گرفته‌اند.

جمع کثیر بوده اند از علما، خصوصاً جلال الدین و ولد (پسر) وی کمال الدین که معاصر بوده اند با خواجه محمد کججانی.

گوییا منصب عالی مثل قضا (قضاوت) و شیخ الاسلامی (قنی که از طرف دولت به عالمی دینی داده می‌شد) در آن خاندان می‌بوده و شاید که این جماعت از اولاد امام الدنیا ابوبکر عبدالله بن احمد القفال المروری بوده باشند که از آکابر علما بوده حالا از ایشان نه اثر مانده و نه آثار.

۲۶ و ۲۷ مرقد و مزار خواجه عبدالله صیرفی و حاجی محمد بندگیر هم در حوالی مقبره عبدالصمد واقع است، در محوطه منزلی است که چون از شهر به مقبره چرنداب می‌آیند به جانب چپ واقع است. از خوشنویسان مشهور و معروفند خصوصاً در فن مثنی که ختم است آن شیوه بر آن دو دانا و مثنی اختراع خواجه عبدالله صیرفی است و هیچ کس در هیچ عصر و در هیچ جایی را مثل وی نوشته، فی الواقع کتابه‌ای چند این دو بی بدل نوشته‌اند که نظیر و شبیه آن ها در آفاق نیست خصوصاً کتابه [مسجد] استاد می‌گیرد که به سبب ماهیت مدرن دولت‌های امروزی از دورن آنها برخاسته است. از این رو در نظریه آزادی مطبوعات جهت حفظ تائیرگذاری مطبوعات بر روند توسعه همه جانبه و پایدار، بایستی به گونه‌ای تجدید نظر شود که بتواند شیوه‌های مداخله دولت را در فرآیند تعریف عقاید و انتشار علنی آنها در بر گیرد. در زیر به ترتیب شناختی از انواع سانسور سیاسی حاصل آمده است، آنها را در مقام گونه‌های آرزایی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

۱- **قدرتهای اضطراری**: حکومتی علیه بخشی از رسانه‌ها، اقدامات تهدید آمیزی انجام داده و

۲۸- مرقد و مزار خورگد آهنگر هم در آن حوالی است، از شهر که به مزارات چرنداب در آیند هنوز به مزار خواجه عبدالله صیرفی نرسیده‌هم به جانب دست چپ مقبره ایست مشهور به خورگد و خورگد آهنگر.

شاید که صنعتش آهنگری بوده باشد و نامش خورگد. ۲۹- مرقد و مزار هفت تن از اولیا در درآمد چرنداب در جیب مسجدی است که در این زمان خواجه شیخی بیگ نامی‌آن را عمارت نموده، بعضی می‌گویند اینها هفت برادر بوده اند همه از اولیا و بعضی می‌گویند که هفت تن از اهل الله در یک زمان بوده اند و با هم

مروافقت و مروافقت (دوستی) تمام داشته‌اند، می‌تواند بود که در یک زمان بوده باشند در ازمنه تن از اولیای ابرار آجری

مدفون گشته‌باشند. به هر حال محل توجه مترددین به مزارات می‌میلانواره

مهدی میلانواره

m_ata@yahoo.com



موانع تاثیرگذاری مطبوعات بر توسعه

:::بخش‌هم و پایانی:::

حضور دولت مدرن در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روز به روز پر رنگتر گشت و به شکل گیری مسائلی باعث گردید که پیش‌تر وجود نداشتند و برای رفع عوارض آنها چاره‌اندیشی

نشده بود. از جمله این مسائل، تحدید آزادی بیان مطبوعات از ناحیه دولت مدرن است. این تحدید که در نهایت بر روند تائیرگذاری مطبوعات در عرصه توسعه خیریات هونلک وارد می‌آید با اشکال و متدهای نوینی صورت می‌گیرد که به سبب ماهیت مدرن دولت‌های

امروزی از دورن آنها برخاسته است. از این رو در نظریه آزادی مطبوعات جهت حفظ تائیرگذاری مطبوعات بر روند توسعه همه جانبه و پایدار، بایستی به گونه‌ای تجدید نظر شود که بتواند شیوه‌های مداخله دولت را در فرآیند تعریف عقاید و انتشار علنی آنها در بر گیرد. در زیر به ترتیب شناختی از انواع سانسور سیاسی حاصل آمده است، آنها را در مقام گونه‌های آرزایی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

۱- **قدرتهای اضطراری**: حکومتی علیه بخشی از رسانه‌ها، اقدامات تهدید آمیزی انجام داده و از طریق دستورالعمل، تهدید، ایجاد ممنوعیت و دستگیری، آنها را مستقیماً و آذآور کرده‌اند که به خواسته‌هایشان تن در دهند. این نوع سربوک سیاسی به دو شیوه اعمال شده است: محرومیت‌های پیش از انتشار و سانسور پس از انتشار. این دو شیوه به خصوص در مواقع ظهور بحران تماماً به کار گرفته می‌شوند. اقدامات دولت فرانسه برای سربوک و سانسور رسانه‌ها در دوران جنگ با الجزایر نمونه تامل برانگیز از این قبیل موارد است.

۲- **بهاکاری نظامی**: دولت مدرن برای اعمال قدرت و به دستگامهای پلیسی و نظامی متکی

است. او ویژگی‌های دستگاه‌های پلیسی و نظامی، پنهان کاری، فریبکاری و وحدت نظر می‌دهند و با زبانی چرب و نرم از دادن پاسخ‌های صریح طرفه می‌رویند و ضمن تهیه گزارشهای ساختگی برای مصارف عمومی، تلاش می‌کنند تا آنها را معتبر و موثق جلوه دهند. این فریبکاریها که از طریق روابط



مجله‌های ایران در دهه ۱۳۰۰

مجله‌های ایران در دهه ۱۳۰۰

چنین حکومتها به بهانه «امنیت ملی» حدود اختیار رسانه‌ها را تعیین، بر گزارش‌های رسمی خیر نظارت و بعضی اطلاعات را تحت عنوان «اطلاعات محرمانه» طبقه بندی کنند.

۳- **فریبکاری**: خصیصه رژیم‌های سیاسی، عمل زشت فریبکاری در سیاست است. در میان سیاستمداران این باور رواج دارد که نیمی از حرفه سیاست تصویر بردازی و نیمی دیگر باوراندن این تصویر به مردم، فریبکاری عملی است که از سالهای اولیه عصر مدرن به جا مانده درکشان میسر می‌شود.

۴- **تبلیغات دولت**: تبلیغات دولتی، امروز به کسب و کاری بزرگ و مهم تبدیل شده‌است. به دلیل گسترش دایمی تبلیغات دولتی، حکومتها قدرت بیش از اندازه‌ای برای باج گیری و اخذی یافته‌اند. تداوم حیات اکثر مطبوعات مستقل میزان بسیاری به درآمدشان از تبلیغات بستگی دارد و در نتیجه تهدیدهای حکومت مبنی بر بازپس گرفتن این سرمایه‌ها، آنها را وا می‌دارد که به این فشارها تن در دهند و یا نابود شوند و نیز توانایی فراینده حکومتها در بکارگیری بخش‌هایی از این رسانه‌ها این روند را تشدید می‌کند.

۵- **عملکرد تجاری انحصارگرایانه**: شکلی از مداخله دولت است که طی آن دولت به سازمانها و گروههای ذی نفع رسیمت می‌بخشد و به این ترتیب آنها را متعهد می‌کند که کم و بیش به تدوین یا اجاری سیاست‌های عمومی همت گمارند و این چنین گروههایی که به لحاظ تاکتیکی اهمیت دارند وارد دولت می‌شوند و به این شکل به «سیاسی فاشن» بخشهایی از جامعه مدنی می‌انجامد و همزمان قلمرو دولت را تا عرصه جامعه مدنی می‌گسترذ و این گونه بعضی کارکردهای دولت را «اجتماعی» می‌کند. این عملکردها کمتر شکل قانونی به خود گرفته و از شرط پاسخگو بودن در برابر مردم تبعیت کرده‌اند، گذراندندگان

کمپانی‌های بزرگ تجاری- اقتصادی نوعی دولت پنهانی را تشکیک می‌دهند. این فریبکاریها که از طریق روابط

شهیدان ایران اسلامی غیر از اینکه در فداکردن جان خود در راه میهن اسلامی پیش قدم بوده‌اند در عرصه‌های اعتقادی نیز به حق بسیار پیشروتر از هم عصران خود بوده‌اند. این موضوع در بررسی آثار و وصیت نامه شهیدی اگرقتدر کشورمان به روشنی دریافت می‌شود.

شهید حسن مصباحی در تاریخ سوم اردیبهشت سال ۱۳۴۳ در محله قلعه باغ شهر ششتر در آذربایجان شرقی در خانواده‌ای متدین و مذهبی وکم در آمد دیده به جهان گشود.

مصباحی ۲ ماه بعد از آغاز جنگ تحمیلی بود که برای آموزش به مراکز آموزش اعزام و شروع به دیدن دوره های متعدد از جمله اسلحه سبک، نیمه سنگین و غواصی نمود و در چندین عملیات مهم شرکت داشت تا اینکه در عملیات والفجر ۴ اعزامی لشکر ۲۷ محمد رسول الله در ارتفاعات کانی مانگا عراق به درج رفیع شهادت رسید.

پیکر پاک و مطهر این شهید مدتی مقفولالثر شد تا اینکه پس از ۱۳ سال در سایه تلاش و فعالیت گروه تخصص ساه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۳ به همراه ه جمع دیگری از همرزمانش باقیمانده پیکر پاک و مطهرش شناسایی شد و به میهن عزیز رجعت داده شد. و پس از انجام مراسم تشییع در قطعه ۲۹ شهیداهمراه زهدار کنار قبر پدر شهیدش که ۲ سال پس از شهادت مومر جان من در نامخوان به هم پیوند می‌خورند و ظاهراً درکشان میسر می‌شود.

۴- **تبلیغات دولت**: تبلیغات دولتی، امروز به کسب و کاری بزرگ و مهم تبدیل شده‌است. به

دلیل گسترش دایمی تبلیغات دولتی، حکومتها قدرت بیش از اندازه‌ای برای باج گیری و اخذی یافته‌اند. تداوم حیات اکثر مطبوعات مستقل میزان بسیاری به درآمدشان از تبلیغات بستگی دارد و در نتیجه تهدیدهای حکومت مبنی بر بازپس گرفتن این سرمایه‌ها، آنها را وا می‌دارد که به این فشارها تن در دهند و یا نابود شوند و نیز توانایی فراینده حکومتها در بکارگیری بخش‌هایی از این رسانه‌ها این روند را تشدید می‌کند.

شهید مصباحی با اعتقاد کامل به موضوع جهانی شدن حکومت امام عصر (عج) این اعتقاد را در قالب دعایی در وصیت نامه اش و آنگاه که تا رسیدن به معبود و پوزاز به ابدیت تنها چند گام فاصله دارد یاد کرده و با ذکر السلام علیک یا صاحب الزمان (عج) در مطلع وصیت نامه اش می‌نویسد:

علی تجلایی در روزپنجم مردادماهسال ۱۳۳۸ در تبریز دیده به جهان گشود، با شروع جنگ تحمیلی به جبهه رفت و در نبرد دهلاویه و حماسه سوسنگرد با عنوان فرمانده عملیات و معاون عملیاتی سپاه‌شکرت‌کد. در طول سالهای جنگ تحمیلی و در جبهه‌های پیرانشهر در عملیاتها بسیاری شرکت نمود و مسئولیت‌های مختلفی را بر عهده گرفت، او به عنوان مسئول طرح و عملیات قراگاه خاتم الانبیا(ص) در تاریخ ۲۵/۱۷/۱۳۶۳ درشرق دجله و در عملیات بدر، بر اثر اصابت تیر به ناحیه قلب، به ملکوت سرخ شهادت رسید.^(۳)

این دلآور آذری در بخشی از وصیت نامه اش

فکر می‌کردم به شیعه و شیعه‌گی؛ به شیعه شدن و شیعه ماندن، به محمدستان ۱۴ نور

معصوم ساکن گشتن؛ فکر می‌کردم که چرا این همه شیعه ره پایش کم است! برای دنبال شیعهگی افتادن و یافتن راهش و روشش و مسلک و آئین می‌شناسد؟ چرا شیعه همیشه در غربت بوده است؟ حکومتش نشانسان! توسعه اش

مکتبی که روزوز از عمرش نمی‌گذرد هزاران رد پا از خودیو به جا می‌گذارد! حال که خدا یک دین دارد از خلقت تا بعثت خاتم رسولان، و آن اسلام است و ناب ترین ورش اجرایی شدن وز زبان ناطق و لایق اسلام هم، زبان شیعه است؛ چرا و تحمل؟!

◄ هفته‌انز به‌پام، سال‌هشتم، شماره ۲۲، سبشنه ۱۳ اردیبه‌ماه ۸۸ ►

امام عصر(عج) در وصیت نامه‌های شهیدان آذربایجان



اگرچه در خرداد ۶۸ روح امام خمینی (ره) از عالم خاکی پر کشید اما کیست که نداند منظور از این شعار اتصال انقلاب اسلامی به انقلاب حضرت مهدی(عج) است و در حقیقت شهیدان نیز همین راه‌از خاندانی می‌خواستند کرد.

موضوع اعتناولیت راسخ به مهدویت و انتظار فرج در آثار و عقاید سردار رشید اسلام **شهید علی تجلایی** دلآوردی از شهر تبریز نیز به روشنی جلوه‌گری می‌کند.

علی تجلایی در روزپنجم مردادماهسال ۱۳۳۸ در تبریز دیده به جهان گشود، با شروع جنگ تحمیلی به جبهه رفت و در نبرد دهلاویه و حماسه سوسنگرد با عنوان فرمانده عملیات و معاون عملیاتی سپاه‌شکرت‌کد. در طول سالهای جنگ تحمیلی و در جبهه‌های پیرانشهر در عملیاتها بسیاری شرکت نمود و مسئولیت‌های مختلفی را بر عهده گرفت، او به عنوان مسئول طرح و عملیات قراگاه خاتم الانبیا(ص) در تاریخ ۲۵/۱۷/۱۳۶۳ درشرق دجله و در عملیات بدر، بر اثر اصابت تیر به ناحیه قلب، به ملکوت سرخ شهادت رسید.^(۳)

این دلآور آذری در بخشی از وصیت نامه اش

یک‌ردپا برای همه تاریخ

فکر می‌کردم به شیعه و شیعه‌گی؛ به شیعه شدن و شیعه ماندن، به محمدستان ۱۴ نور معصوم ساکن گشتن؛ فکر می‌کردم که چرا این همه شیعه ره پایش کم است! برای دنبال شیعهگی افتادن و یافتن راهش و روشش و مسلک و آئین می‌شناسد؟ چرا شیعه همیشه در غربت بوده است؟ حکومتش نشانسان! توسعه اش

مکتبی که روزوز از عمرش نمی‌گذرد هزاران رد پا از خودیو به جا می‌گذارد! حال که خدا یک دین دارد از خلقت تا بعثت خاتم رسولان، و آن اسلام است و ناب ترین ورش اجرایی شدن وز زبان ناطق و لایق اسلام هم، زبان شیعه است؛ چرا و تحمل؟!

امام عصر(عج) در وصیت نامه‌های شهیدان آذربایجان

در جهت بر پا ماندن اسلام و گستردن عدالت خداوندی در جهان، کفر و نفاق دنیوی، نیاز به خون من و تو و دیگران و آیندگان دارد.

این شهید در ادامه وصیت نامه خود با یادآوری آموزه‌های دانشگاه کربلای امام حسین(ع) می‌نویسد: از امام زمان منجی عالم بشریت دست بردار نباشید که راه صحیح جز همین نیست.^(۵)

شهید بزرگوار حمید باکری نیز که از خطه سرسبز آذربایجان و شهر ارومیه به همراه برادرش مهدی باکری عازم جبهه ها شد در وصیت نامه متفاوتی که خطاب به فرزندانش نگاشته، موضوع امامت و شناخت امام زمان(عج) را فراموش نکرده و ضمن توصیه فرزندان به شناخت دین مبین اسلام، تنها اعصالی را مورد رضایت خداوند تعال می‌داند که تحت ولایت امامش انجام شده باشد و از فرزندانش خواسته است در هر موقعیت همت به اعمالی بگمارند که مورد تائید امامت باشد.^(۶)

اگرچه این شهید در وصیت نامه پرسویش اقرار کرده که زمان او یار نبوده تا وصیت نامه اش را به اتمام برساند. شهید رحمان دادمان دیگر شهید شمال غربت‌شک است که در کسوت وزارت و در ساحته سقوط هواپیمای شرت شهادت نوشید و آثار اعتقادی وی در ایمان به کیمت عدل جهانی امام عصر در وصیت‌نامه‌ای نیز شهید است.

این شهید در وصیت نامه خود می‌نویسد: امروز راه یکی پیش روی ما گشاده است و ما به استقلال آن رفتنایم، علی باید چون علی بن ابیطالب(ع) که او هم نیم بود مردی شجاع، باتقوا، رزمندگی راه اسلام و یاور یقیمان بیچارگان باشد، ما به راه کربلا می‌رویم تا فرزندان ما به راه قدس بروند.

این شهید ازبیلی که در سال ۸۰ به قتل دستگیر می‌شود در ادامه وصیت نامه خود می‌نویسد: ما با آرزوی فرج امام زمان(عج) تلاش می‌کنیم و فرزندان ما هم باید منتظران و جهادگران امام زمان(عج) باشند.^(۷)

- پی‌نوشت:
- ۱) زندگی نامه شهید حسن مصباحی
- ۲) وصیت‌نامه شهید حسن مصباحی
- ۳) زندگی نامه شهید تجلایی
- ۴) وصیت نامه شهید تجلایی
- ۵) پاکهٔ فرهنگی صبح
- ۶) وصیت نامه شهید حمید باکری
- ۷) وصیت نامه شهید رحمان دادمان

آمده قدم در جای پای مانده از مولای شیعیان گذاشته است.

پی‌نوشت: یعنی می‌شود برای شیعه شدن، پاک کنی برداشت و همه ی جای پاهای خود را پاک بپاشی به رد پای

ولی حی و حاضر و زنده و بیدار و بی‌بای خود رجوع و ایابه کنند؟! شاید فقط شاید…



همانگونه که گذشته بشر برایش مهم و درخور توجه است، آینده و نبرایش امر هم برایش مهم است و حتی مهمتر از گذشته میل بشر در اطلاع از آینده خیلی بیشتر از میل او به دانستن گذشته است و از طرفی چون گذشته تا حدود زیادی قابل کشف است ولی هیچگاه‌پندیده چنین نوده، به همین خاطر، انسان چاره ای ندارد جز چنین سوالات مختلف تا شاید بتواند به کلیاتی از آخر زمان و نهایت جهان برسد.

با نگاهی گذرا به توليدات فکری و هنری درسطح جهانی، می‌توان به طور اجمال به وجود چنین حس و دغدغه ای پی برد، هر چند در ضمن این توليدات، سیاست ها و اهداف بلندمدت و با کوتاه مدت دیگری نیز گنجانده شده باشد: این نوع نگاه، یک دیدگاه‌کاملاً فرآیندی است، پاسخ به اینکه ما تا چه حد توانسته ایم در شکل دادن و نظریه پردازی در این نگاه عمومی، سهم و نقش داشته باشیم، خود مجال دیگری می‌طلبد، ولی همین حد کفایت می‌کند که ما تاکنون مصرف کننده بوده ایم. ولی درصدد بحثی درون دینی هستیم چون بخش قابل توجهی از مکتب ما با بحث آخرالزمان و عصر ظهور همراه است، گویی در درون دین ما از ابتدا و انتهای آن مایه ها و فرامیعی هست که تکلیف دین داران و در مراحل تکلیف تمام بشریت را نسبت به آینده سرنوشت مشخص می‌کند، اما و اساس این مسئله در درون دین با انتظار شروع می‌شود.انتظار با نگاه ظاهری و لغوی معنای کاملاً محدود و مشخصی دارد ولی در اصطلاح چنین نیست. امام صادق(ع)

شیخ محمد باقر مجلسی، مؤلف کتابتواریخ فی الحوادث

شعر فضولی در ایران در زمان حیاتش رواج یافت و اهل ادب آن را حفظ کردند، و به نقد کلاش پرداخته و آنچنان که شایسته قدر اوست تقدیرش کرده‌اند. معاصرش سام میرزا فرزند شاه اسماعیل صفوی- متوفی ۹۶۹- او را یاد می‌کند و فضولی از اشعارش را در «تحفه سامی» که در زمان حیات شاعر (سال ۹۵۷) تألیف شده یادآور می‌شود،و امین‌احمد زاری در «هفت‌القیلیم» که در سال ۱۰۰۲ صفوی نسخه‌ای از دیوان فضولی به خط خودش بوده که «صادق کتابدار»، کتابدار آنجا آن دیوان را مطالعه کرده است و کامل‌کننده «مجمع الخواص» به سال ۱۰۱۶زندگی فضولی را آورده است.

همچنین شیخ بهاء عالمی - متوفی ۱۰۳۱- بعضی از ابیات فضولی را در «کشکول» آورده که در انتها بیت ترکی در مجموعه بهایی است. میرزا محمدطاهر نصرآبادی - متوفی حدود۱۱۰۰- در تذکره ای که به شیوه صفی‌الدین میرزا معروف به شاه‌سلیمان صفوی در سال ۱۰۳۳ نوشته و حاح لطفعلی بیگ آذر بیکدلی - متوفی ۱۱۹۵- در آتشکده از فضولی بغدادی یاد می‌کنند. برخی از لغت نویسان به اشعار فضولی استشهاد کرده‌اند؛ از آنان می‌توان صاحب «فرهنگ پیشروخانی» را ذکر نمود و از مشایخ شعر فارسی دانسته و در ردیف فردوسی، اسدی، خاقانی، سعدی، حافظ، جامی، قاسم انباز و نظام آذربایجانی جای داده است. در دوره معاصر نیز محمدعلی تربیت - متوفی ۱۳۵۸- در «دانشمندان آذربایجان» از محمدعلی‌نویزیری مدرس -متوفی ۱۳۲۷- در «ریحانه الادب» از زندگانی فضولی سخن گفته‌اند و گروهی از معاصران از جمله جهانپناهی

کلید فرج در داستان منتظرین

می‌فرماید: «بر شما باد به تسلیم و رد امور به ما و انتظار ام را و از خودتان و فرج ما و فرج خودتان».

(کافی، ج ۳، ص ۱۲۳ ح ۱۳)

آنچه روشن است این است که انتظار روند یک سو به یک طرف نیست، بلکه منتظر و منتظر، هر دو در مسیر انتظار مشترکند. اگر ما منتظر را به معنای ملموم و منتظر را به معنای امام‌مگزینیم، به خطا نرفته ایم. آنچه بیشتر مورد توجه ماست، گفتگو از جایگاه اسیر درینجا است، که فقط در پشت میله ها و بند ها به آن ناجی خود می‌اندیشد، این انتظار کشیدن چه فضیلتی دارد؟ با این حساب بحث منتظر واقعی و غیرواقعی نیز منفی است؛ چون همه زندانیان دوست دارند یک کرامت شود و آنها را نجات دهد. مهم این است که این زندانیان برای رهایی خود چه تصمیماتی دارند این مهم است! کشاورزی که به انتظار باران دست از کشت برداشته با فضیلت تر

شیخ محمد باقر مجلسی، مؤلف کتابتواریخ فی الحوادث

شیخ محمد باقر مجلسی، مؤلف کتابتواریخ فی الحوادث

شهرت فضولی در ایران

:::بخش سوم و پایانی :::

و بزمان گزیده‌هایی از اشعار او را انتخاب کرده‌اند.

...

...

توجه ترکان به فضولی
ترکان از قدیم و در دوران اخیر نیز به فضولی توجه داشته‌اند و او بزرگ شاعر آذری و پیشوای اکبر ادبیات ترکی در تمام اعصار است. دیوان او در زمانش دست به دست می‌گشته است

و ادیبان ترک همواره او را یاد می‌کنند و به آنجهام تعشیل جسته و قصادیاش را روایت می‌نمایند. آنان به دنبال بدای نامی بوده و از سبکشن تقلید کرده و از الفاظش تاثیر پذیرفته و معانی اش را اقتباس می‌کنند.

ملاوقوسی تبریزی آثار فضولی را دنبال کرده و فضولی را «تأشکده از فضولی بغدادی محمد عبدالاحیٰ ابن فیض الله رومی» - ملقب به فاضلی و مشهور به قاف زاده فضولی را هم‌های کرده است.
مجنون فضولی در کتاب «زبدہ الاشعار» ش انتخاب کرده و علاوه بر آن ۸۲ بیت از دیوان فضولی را نیز در آن آورده است. و عطائی - متوفی ۱۰۴۴- در شعرش فضولی را یاد کرده و برخی از ابیات او را مدسرس کرده‌اند. نیز حاجی خلیفه -متوفی ۱۰۶۷- در کشف الظنون فضولی را یاد آور شده؛ و شیخ غالب - متوفی ۱۱۳۳ - فضولی را بزرگداشته و تحسین اش



نمی‌خواهم بشنوم که این محبت مسئولیت است. دوست دارم بشنوم از فهروانی که سوز بر اسب سفید خواهد آمد و ما را نجات خواهدداد.

فراموش می‌کنیم که این فهروان به خواست و اراده ما بی توجه نیست؛ فراموش می‌کنیم که او بی توجه به نقش و همت ما برخیزد آشفته. باید باز گردیم به محور مهیا شدن و میهار کردن زمینه. اگر منتظر ماندن ما مثل منتظر ماندن آن زندانی اسیر درینجا است، که فقط در پشت میله ها و بند ها به آن ناجی خود می‌اندیشد، این انتظار کشیدن چه فضیلتی دارد؟ با این حساب بحث منتظر واقعی و غیرواقعی نیز منفی است؛ چون همه زندانیان دوست دارند یک کرامت شود و آنها را نجات دهد. مهم این است که این زندانیان برای رهایی خود چه تصمیماتی دارند این مهم است! کشاورزی که به انتظار باران دست از کشت برداشته با فضیلت تر

شیخ محمد باقر مجلسی، مؤلف کتابتواریخ فی الحوادث

شیخ محمد باقر مجلسی، مؤلف کتابتواریخ فی الحوادث

است یا کشاورزی که به امید باران در حال کشت و تلاش است؟ در قاموس عمل ما، مثل اینکه اولی بهتر است! همه می‌دانند دولقلقار از سر زنگرزدگی و کندی در غلاف نشد بلکه این عدم همرازی و همراهی بود که او را کف کرد. اگر به مسجدی وارد شوید که اهل آن در حال نماز خواندن هستند ولی ناهماهنگ با دیگران و بی همی، بآنکه در محراب در جایگاه امام به نماز ایستاده آیا می‌توانید حاضران را ماموم آن امام بدانید؟ مگر شتره اتصال امام به ماموم چیزی به غیر از اقتداس؟ یا وجود امام و جماعت و محراب ولی بی اقتدا، فضیلتی بنام نماز جماعت جاری نخواهد شد. فرقی نمی‌کند که امام ایستاده در محراب- حضرت علی بن ابیطالب(ع) باشد و یا حضرت حجت بن الحسن(عج).

«وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عمده منا»، وجود امام لطف بزرگی است و تصرف امام در امور مردم لطف دیگر و عدم تصرف و ظهورش از ماست. (تجریده الاعتقاد شیخ طوسی - المقصدالحاصل فی الامامه) یعنی غیبت امام و عدم حضورش از طرف خداوند و یا از طرف خود امام نیست، بلکه از طرف مکلفین و مردم می‌باشد: از خوف و ترس اینکه از او اطاعت ننمایند. وقتی موانع غیبت از طرف مردم برطرف شد ظهور واقع می‌شود (شرح تجریده الاعتقاد- سیدمحسن خراسی، صفحه ۱۶۸)

ناصر میراحمدی n.mirahmadi@yahoo.com

ناصر میراحمدی n.mirahmadi@yahoo.com

وچرخ فلک اللذیل فی اثره
فخار رفق القدر بالبحر

(در فضیلت به نفع فضولی ادعای می‌کنم همانند ادعای مامور به فضیلت است. و خود فضیلت نیز به دنبال فضولی که در تارک فضیلت است‌کنشید می‌شود و برای همین هم است که فضیلت صاحب قدر شده است.) و هزاره دیوان فضولی در عراق همه جا گیر بوده و به خصوص کرکوک و خاصه میان کاتبیه که آن را حفظ و روایت کرده و از تصادیش مثال می‌آورند. و گروهی از شاعران به او اقتدا کرده‌اند که از آنها هجری دهه، محی الدین قابل، صافی افندی، ملا علی و شیخ رضا طایلی است. و عنایت گروهی از ادیبان متوجه فضولی شده است که در آنجهام فضولی صاحب قدر، دفتری، یعقوب سرکیسی، عباس عززای و عزیز سامی است.

وفات فضولی

فضولی بخاطر عزلت و زهدش برسر زبانه‌است و او در کر بلا که « اکثریت عمالک» می‌داند در خانه که در جزایر هرم حبسینی علیه السلام بوده به گوشه گیری و به کنج نشستن پرداخت و گفته شده که در دوران پیری اش روزنشانی محبت (حی) به او سپرده شده تا چراغ حای حرم را روشن سازد و سرانجام در کر بلا به خاطر مرض طاعون آنچنان که فریست، فضولی در صحن روضه حسین(ع)، ضلع جنوبی در باب قبله به مقبره دده در تکیه بکتاشیه دفن شد.

روحش شاد و مولایش محشور باد

روایات

مدیریت فرهنگی آذربایجان شرقی در انتظار تغییر

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

روایات

مدیریت فرهنگی آذربایجان شرقی در انتظار تغییر

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

قطعی شده های کابینه دهم

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.



دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

روایات

مدیریت فرهنگی آذربایجان شرقی در انتظار تغییر

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی، خبرهای ناپاید نشده حکایت از قطعیت بافتن برخی تغییرات در بخش‌های فرهنگی استان دارد و عقاب صاحب نظران در ضرورت تغییر در این بخش به اتفاق نظر رسیده‌اند.

همچنین انتصاب تغییر برخی دانشگاه‌های استان نیز وجود دارد. از دکتر آزبده، معاون سابق وزیر آموزش و پرورش و دکتر سرورالدین، رئیس سابق دانشگاه تبریز، به عنوان رئیس اسبق معلم آذربایجان نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود. رازینی نام برده می‌شود.

در این میان، اما نقش ستادهای انتظامی و حامیان دکتر احمدی نژاد در انتصابات، برجسته تر از دور قبل به نظر می‌رسد.

در آستانه معرفی کابینه دولت دهم، تحرکات و تلاش‌ها برای برخی تغییرات مدیریتی در آذربایجان شرقی نیز افزایش یافته است. هفته گذشته نخستین تغییر با انتصاب دکتر محمدیان، رئیس پیشین سازمان دامپزشکی استان، به ریاست سازمان جهادکشاورزی رقم خورد.

به گزارش خبرنگار آذریپا، در ادامه تغییرات جدید مدیریتی در آذربایجان شرقی



در مقوله آموزش، وقتی کودکان مخاطبان ما

می‌شوند، باید جداً جدأ کرد. هم مربیان و هم پدر و مادرها.

وسیله قرار دادن کودک برای «تجارت» ظلم بزرگی است در حق این نثر عظیم جامعه. تشکیل کلاس برای آموزش صرف هم برای کودک کار ناقصی است. پس تشکیل کلاس آموزش صرفاً برای کسب درآمد یا تشکیل کلاس آموزش صرفاً برای آموزش برای کودک و نوجوان - در دنیای تعلیم و تربیت کار مردودی است. در کلاس های آموزشی که برای کودکان برپا می‌شود باید انگیزه ای فراتر و با ارزش، برای مرئی و والدین مطرح باشد. انگیزه ای که رنگ و بوی تربیت دهد.

یک مربی باید بداند که هر موضوع درسی یا آموزشی بهانه ایست که بتوان به وسیله آن با کودک همراه شد. احساس، اندیشه و رفتار او را غنا بخشید. او را برای زندگی سالم خانوادگی و اجتماعی آماده کرد. فعالیتی که از کودک و نوجوان امروز، انسانهایی با احساس، با شعور، با قدرت درک و فهم مسائل انسانی، اجتماعی، انسانیهای سخاوتمند و بخشنده و در عین حال ظلم ستیز بار آورد.

یک مربی کودک در هر رشته ای که فعالیت می‌کند باید متوجه باشد که در لایای درس و آموزش رشته مورد نظر، «باید» احساس کودک را جدی بگیرد و از همین بنجره وارد دنیای کودک شود. باید بتواند کلید اندیشه و تفکر و خلاقیت او را فعال کند. باید بتواند دلایل منطقی مهربان بودن و خودخواه نبودن، بخشنده بودن و خسیس نبودن، عفو کردن و دشمنی نکردن، مظلوم نشدن و تبدیل به ظالم نشدن انسانی، اجتماعی، انسانیهای سخاوتمند و بخشنده و در عین حال ظلم ستیز بار آورد.

یاد همه این امور را در کلاس‌ها تجربه کرد. به صورت عملی البته به شرطی که مربی به معنای واقعی یک «مربی» باشد و مخاطبانش را بشناسد. دنیای او را بفهمد. از نگاه او ببیند یا گوشه‌های او بشنود. حتی او را بشناسد و بفهمد و ده‌ها ریزه کاری دیگر. مربی باید بتواند با کودک ارتباط ایجاد کند. گرچه گاهی کودکان تلاش خوبی برای ایجاد ارتباط با مربی می‌کنند اما متأسفانه مربی متوجه این تلاش نیست و این فرصت را از دست می‌دهد.

کار با کودک طراقت های خاص خودش را دارد که مربی باید به این طرایف اشراف داشته باشد. مادام که کودک نخواهد، مربی نمی‌تواند او را وارد به انجام کاری بکند. شاید بشود اجبار کرد اما نتیجه کار قطعاً بی روح و بی ارزش خواهد بود. اگر مربی «مربی»

زادش

آن قدر مهربانند که برای شاد کردن دوستان از دوست داشتنی ترین وسایلی خود می‌گذرند. پاداش این مهربانی از توان ما خارج است پس جایزه‌هایی که می‌گیرید هدیه ای از طرف خداوند است. دعا کنید من هم و همه ما بزرگترها هم به این مقام از مهربانی برسیم.

در ادامه یاد می‌کنند از ۲۵ سالگی که برای بچه‌ها کار کرده است. او می‌گوید همه بچه هایی که در کلاس هایم بردندانه همه‌شما که هم اکنون در کلاس هستید بهتر از هر کسی می‌دانید که در تمام سالهایی که شما بودهم شما را کودک (بچه یا نادان) ندیده‌ام. در تمام این سالها، تمام جمله ها و احساسات شما برای من ارزشمند بوده‌است. روی حرف های شما فکر کردم. از شما آموختم اما وبعداً آموخته‌هایم را در کلاس شما در میان گذاشتم او ...

...و شاید همین است راز طراوت و شادایی کلاسهای خاتم سائویر؛ چون کلاسها با افکار و احساسات کودکان اداره می‌شوند. شاید هم آنچه که کلاسهای او را با سایر کلاسهای نقاشی، که در شهرمان بزرگوار می‌شوند، متفاوت می‌کند این باشد که با به پای آموزش نقاشی و شاید یک قدم فراتر از آموزش نقاشی احساس بچه ها و نوع نگاه، بجهامست که برای خاتم سائویر مهم است و دوست دارد اهمیت آن را به بچه‌ها بیاورد. ساده تر بگویم؛ به بچه‌ها یاد می‌دهد که اول بچیه بین چه می‌خواهی بگویی! یاد حرفی برای گفتن داشته باشی. باید حرف‌ت ارزش شنیدن داشته باشی. باید حرف با حرکت زینا باشد. بعداً تصمیم بگیر که این حرف با ارزش و زیبا یا چگونبه به تصویر بکشی و برای رسیدن به زیاده یی برای شاد کردن بچه ها می‌شناسد و معتقد است بچه ها وقتی شاد هستند احساس خود را راحت تر ابراز می‌کنند و راحت‌تر نقاشی می‌کنند و به تدریج این درس را به شاگردانش هم می‌آموزد که کودکان (بچه ها) باید وقتی شاد هستند احساس خود را راحت تر ابراز می‌کنند و راحت‌تر نقاشی می‌کنند و به تدریج این درس را به شاگردانش هم می‌آموزد که مشکلاتمان باید شاد باشیم و دیگران را هم شاد کنیم؛ «چرا شاد نباشیم «خدا هنر هاست» و این بهانه

اولیا باید در انتخاب کلاس و مربی خیلی دقت کنند؛ باید توجه کنند که ۱- کودک خود را به دست چه کسی می‌سپارند. ۲- چرا می‌سپارند ۳- انتظاراتشان از کودک چیست و دوست دارند که او با او چه فعالیت فکری می‌کند. موضوع مطرح می‌شود. بچه ها به توضیحات مربی که «به زبان بچه‌ها و از نگاه‌بچه‌ها» توسط خاتم سائویر داده می‌شود گوش می‌کنند. در سکوت می‌اندیشند بعد با هم بحث می‌کنند، مشورت می‌کنند و بعد شروع می‌کنند. او برای رها کردن کودک از ترس‌ها و نگرانی و اضطراب های کودکانه تلاش زیادی می‌کند. ترفندهای جالب و گاه عجیبی دارد برای بخشیدن آزادی به بچه‌ها ...

والته در کنار این رهایی و آزادی در کلاس، نظم، قدرت و استحکام کلاس‌ها همچنان برقرار است. شاید و حتماً همه بچه‌هایی که در کلاس‌های ذهن خلاق نقاشی کشیده‌اند، نقاش شوند اما من می‌دانم که بیشتر آنها انسانهایی قوی و باشعوری خواهند بود. انسانهایی مهربان که می‌توانند از خود بگذرند. می‌توانند دیگران را ببخشند. می‌توانند هنر را بفهمند. انسانهایی که می‌توانند از زیبایی لذت ببرند... و همین برای شما کافی ست. انسانهایی که در کودکی آموخته‌اند به دنیا، به دخترها، پسرده‌ها با آدم‌ها، خیابانها و به هر چیز، طور دیگری نگاه کنند، با احترام نگاه‌کنند.

بوسه می‌زنیم به دستان همه مهربانی که با کودکان ما این گونه کار می‌کنند در قالب هر کلاسی که باشد، هنرینی، علمی، مذهبی، ورزشی

و ...

اگر یک حرکت انقلابی صرفاً بر مبنای تارضاتی از وضع موجود صورت پذیرد و برای پس از پیروزی برنامه نداشته باشد مسلماً حتی اگر آن حرکت انقلابی به پیروزی هم برسد با مشکلات زیادی در بقای خود مواجه خواهد شد. انقلاب اسلامی گر چه در این زمینه با کاستی‌هایی مواجه بود لیکن در نگاه کلی، این برنامه بزرگی در آن صورت گرفته بود.

یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران این بود که درصدد دگرگونی کلی در ساختارهای موجود بود. این انقلاب به دنبال تغییر فرد بود بلکه به دنبال تغییرگرش‌ها و ساختارهای کلی اداره جامعه بود.

شکل انقلاب ایران به عنوان یک حرکت مذهبی شکل گرفته بود و با وجود اینکه عده‌ای عنوان مارکسیست، مجاهد و ... نیز در آن فعالیت‌هایی می‌کردند، اما رهبری اصلی این جریان بر عهده مرجعیت شیعه بود و لذا یک حرکت دینی محسوب می‌شود. مسلماً یک حرکت دینی که برپایه اصول و اعتقادات مذهبی شکل می‌گیرد،

باید حرکت‌های این حرکت انقلابی برای پس از پیروزی نیز بر اساس اعتقادات مذهبی پاپریزی مردم و باگذاردن همه مردم ایران نتوانستند طعم مشارکت انقلاب به زمینه‌سازی این مسئله برداختند. حضرت امام خمینی(ره) درس های حکومت اسلامی را از تبدیل نشدن و لایات فقیه به عنوان یک اصل مشرقی شروع کردند. سیاست خارجی نظام اسلامی مانند مسئله فلسطین، قبل از انقلاب،بوضوح تبیین شده بود. شاگردان ایشان نیز علمی پژوهش می‌کردند. آن است که هدف غایی انقلابی تربیت شاگردانی برداختند. جالب توجه است که در شرایطی که این گونه مسائل هیچ ضمانت اجرایی از سوی رژیم سابق ندارد، اندیشمندی مثل مهد بهشتی اقدام به طرحی مبسوط همچون اقتصاد

از دولت سازی تا تمدن سازی

اصولی میدان شده و همواره از احساسات و عرق مذهبی مردم سوءاستفاده خواهد شد. اینجاست که دین تنها به عنوان یک ابزار برای توجیه عملکرد ها مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت.

آنچه امام خمینی(ره) بعنوان رهبر انقلاب به دنبال آن نبودند «تمدن سازی دینی» بود. دولت‌سازی دینی تنها برای ایجاد بستر و به عنوان ابزار برای رسیدن به این هدف بزرگ طراحی شده بود. وقتی سخن از تمدن به میان می‌آید مسلماً ظاهر سازی و برجسب اسلامی‌زدن به امور کافی نخواهد بود. بلکه باید محتوایی همه دستگاه‌های حاکمیتی اسلامی باشد.

تمدن سازی کار یک شب و حتی چندین ده سال نیست، بلکه امری تدریجی است که باید در بستر زمان، مرحله به مرحله، با برنامه ریزی دقیق و تقسیم کار علمی صورت گیرد. وقتی سخن از تمدن سازی دینی به میان می‌آید منظور این است که در تمدن دینی نیز همانند تمدن غربی تمدن دینی را در نظر نگیریم. تمدن غربی صرفاً در جهت تحولی پدید آورد، امروز دین این انقلابی است که در نظام دینی شاهد تارسانی‌هایی در بعضی بخش‌ها هستیم، مطمئناً بنامی علت آن سخن نکریم. تمدن غربی به

این تمدن خیالی‌هایی هم نیست چراکه وقتی به گذشته می‌نگریم می‌بینیم زمانی که مذهب مدرنیسم در بربریت به سر می‌برند، نظام اسلامی با وجود انحرافات عمیق خود –توانسته بود به بخش‌هایی از تمدن اسلامی دست یابد. به محض سخن به میان می‌آید دیگر جایی برای اقتصاد الحسنه سخن به میان نمی‌آید. چرا که در راستای دولت سازی دینی صورت پذیرفت. اما آنچه در این برهه از انقلاب باید مورد توجه همه، پژوهش مسئولان و برنامه ریزان نظام و جامعه بر مبنای اخلاق شکل بگیرد، در حوزه فرهنگ، اخلاق و معنویت سایه می‌گسترده، در آموزش و پرورش و آموزش عالی تمدن دینی، تزکیه بر تعلیم تقدم دارد و ...

اگر امروز ما مدعی هستیم که دین لزوماً باید در

حکومت دخیل باشد این امر امکان پذیر نیست جز با رشد و توسعه علوم انسانی اسلامی و پایه ریزی و نظریه پردازی در حوزه های فرهنگ، اقتصاد و ... بر اساس منابع دینی و ایجاد پیوند عملی بین این مفاهیم نظری و آنچه که در عمل اجرا می‌گردد. در این صورت است که تمدن دینی ایجاد خواهد شدو دین دیگر نه به عنوان دکوری در اداره حکومت بلکه به عنوان محتوا و درون مایه حکومت نقش آفرینی خواهد کرد. در چنین حکومتی رابطه مردم با حکومت و برعکس را باید خوب مشخص می‌شود. طبق موازین شرعی، شخصیت و کرامت انسان‌ها به عنوان اصلی اساسی رعایت می‌گردد. فسادها و زیاده خواهی‌ها به حداقل می‌رسد و نظامی پدید می‌آید که مردم در آن احساس آرامش و رفاه می‌کنند.

اسلام و آموزه های مترقی آن قابلیت ایجاد چنین تمدنی را دارد؛ چنانچه هر جزیره العرب در عرض ربع قرن توانسته چنین تحولی پدید آورد، امروز دین این انقلابی است که در نظام دینی شاهد تارسانی‌هایی در بعضی بخش‌ها هستیم، مطمئناً بنامی علت آن سخن نکریم. تمدن غربی به

این تمدن خیالی‌هایی هم نیست چراکه وقتی به گذشته می‌نگریم می‌بینیم زمانی که مذهب مدرنیسم در بربریت به سر می‌برند، نظام اسلامی با وجود انحرافات عمیق خود –توانسته بود به بخش‌هایی از تمدن اسلامی دست یابد. به محض سخن به میان می‌آید دیگر جایی برای اقتصاد الحسنه سخن به میان نمی‌آید. چرا که در راستای دولت سازی دینی صورت پذیرفت. اما آنچه در این برهه از انقلاب باید مورد توجه همه، پژوهش مسئولان و برنامه ریزان نظام و جامعه بر مبنای اخلاق شکل بگیرد، در حوزه فرهنگ، اخلاق و معنویت سایه می‌گسترده، در آموزش و پرورش و آموزش عالی تمدن دینی، تزکیه بر تعلیم تقدم دارد و ...

اگر امروز ما مدعی هستیم که دین لزوماً باید در



مسعود زین‌العابدین
www.naskeem.blogfa.com

ساققیزز همنوز کشف نشده است

حاکمیت ساققیزز در دو مقوله خاصه می‌شود: نخست دلمشغولی است و دومی چسبندگی و کلافه کردن. و ما در ستون ساققیزز تجلی هر دو معنا را یافته بودیم و طبیعی است که خاصیت نخست آن بر مذاق مکران گوارا باشد و خاصیت دیگر بر مذاق برخی‌ها ناگوار. و این برخی‌ها غالباً مسئولین و مدیران صاحب منصبانی هستند که با خرده شیشه دارند و یا رنگی به کفش.

و اگر این اربابان امور که در عهد ماضی ما ایشان را به عنوان نوکران ملت می‌شناختیم، حسیاشان پاک بود از ساققیزز و ستونهای مثل آن هم باکشان نبود. وجود ستونهای مثل ساققیزز در هر تشریه‌ای نه تنها ضرورتی است که بنی سبیلین ساختار اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی است، و اعتراض برخی مسئولین بزرگترین گناه بر این امر است، چرا که آنانکه مریض احوال باشند و تب دار انتظار هیچ گفتاری جز هدیان از ایشان نمی‌رود.

دست نگارنده ساققیزز را می‌شناسم و جسارت و صراحتش را ارج می‌نهم؛ چرا که اعتقاد قلبی دارم نظام مقدس جمهوری اسلامی در مقطعی نیست که با تعارف بر تمامی تقصها و کم کاریها و خیانتها سرپوش گذارد. ■



فرمانی علی‌طاهر
gaherfan@yahoo.com

ساققیزز همنوز کشف نشده است

سالم ساققیزز عزیز! وقتی این نامه را می‌خوانی من در دیاری دور و همچنان دورتر، در حسرت شرکت در جشن تولد یکسالگی ساققیزز به سر می‌برم! امیدوارم حالت خوب و دماغ مبارکت چاق باشد. کشف جنابعلی را که به اینجانب در چندین جلسه منستب می‌کنند و همچون ساققیزز می‌چسبند را بارها و بارها تکذیب کرده و می‌کنم و اعتراف دارم که شما را از تنها بنده، بلکه خودت نیز همنوز کشف نکرده‌ای.

انتظار آن بود و عقیده بر آن دارم که کشف جنابعلی همنوز انجام نگریده‌است! و آذربایم سهل است از اعتماد ملی تا اقصی نقاط کیهان، نمی‌توانند ساققیزز را کشف کنند. چرا که ساققیزز چیز دیگری است، حال و هوایی که در آذربایم به عنوان یک تشریه محلی و کسانیا که در این مجموعه همکاری می‌کنند، مروهون همین کشف نشده هاست. منظورم این است که با هر طرز تفکری که داریم، ساققیزز چنان باید باشد که بتواند خنود را به راحتی بیان کند و بر همگان بچسبد. به امید روزی که همه و همه در کنار هم بودن را با هر طرز تفکری صمیمانه و برادرانه و خواهانه کشف کنند. عقیده دارم ساققیزز همنوز کشف نشده است مگر اینکه کاشف شود. ■



نقی‌نقی‌نژاد فرشاد
www.zoorn.ir

مرا به سخت جانی خود این گمان نبود!

ساقیتز - بمله «ساقیتز». هـمو که می‌چسبد وروا نمی‌کند. هـمو که بی‌ملاحظه است و درده‌ساز، ریز و درشت، شریف و ناشریف، ازیاب و رعیت، رئیس و مروتیس، ذکور و اناث، پیر و بریا، اداره و معاره و... سرش نمی‌شود. چشم و گوش همه باز باشد! ممکن است همین الان که زوم فرموده‌اید به صفحه کاغذ، روی یک فقره ساقیتز جلوسیده باشید، یادتان باشد «ساقیتز» را هر چه گرم‌تر کنید چسبندتر می‌شود. پس راهی از دست این ماده سحرآمیز یک راه دارد: «سرد کردن». پس هر که گرفتار آمد، آب سرد بر فرق مبارک بپاشد. البته درصدد هستیم تا حرمت آستانه مقدس «ساقیتز» را پاس نهمیم، از آن حیث که هر کسی را توفیق تشریف به محضر با کمالات ساقیتز و درک مقامات مزبور نباشد. چونان که هم اینکه برخی رجال را می‌توان مثال زد که حاضرند بی‌نامه مه‌بهدن تا به جهت اشتهاز فردا روز، سرقه‌های پرباشان تدارک شود. اما رسالت «ساقیتز» چیز دیگری است...

■ «ساقیتز یک ساله شد». نمی‌خواهم این داعیه را به یک‌بشم که کار «شاقی» در این بین شده، ولی لااقل منصفانه است که بگویم: «در قواره شهرت‌ساز کار جدیدی رخ داد». همین! روزی که از رایش ساقیتز حرف به میان آمد با روح‌الله رشیدی عزیز، صحبت از آن بود که از درجه‌ای دیگر به مسئولین استانی طنز انتقادی می‌کنیم. اما نه آن چنان بی‌محابا که چند شماره بعد به اینز سوق شود بلکه باب مفارصه‌ای که هم ممکن باشد و هم جدی، و هیچ‌یک از دو مقال «طنز-انتقاد» فدای یکدیگر نگردد و... الخ... بنسباید طنز ساقیتز آن قدر عریان و درشت می‌شد که فحوائی انتقاد از بین می‌رفت و نیز نباید انتقاد تا بدان حد پیشی می‌گرفت که لحن بیابیه و طعنه‌امی محکومیت، مهمان ساقیتز را شائبه می‌گرفت.

روزی هر یک از سوزدها لاقفل ۶-۷ روز کار می‌شد و روزهای یکشنبه هر هفته هم که اوج ابرام جنگ و ستیز کلامی‌من و روح‌الله عزیز بود و گاه برای یک جمله کوتاه ساعتی کنجارج می‌رفتم تا همدیگر را قانع کنیم. رغم این‌که در شاخه طولیانیان بیشترین حشر و نشر من با ایشان است، بیشترین دعواها و قهر و آشتمی‌ام نیز با او بوده و کاش روزی چند نوشته قهرآمیز را عیان کند تا ببینید صمیمیت بیرونی ما در کار چندان دخیل نبوده است.

ساقیتز یک سال تمام نوشته شد و حدود سی نفر از مسئولین محترم استانی به تخته‌طزگون کشیده شدند، یکی شکر کرد، دیگری جوابیه نوشت، یکی هدیه فرستاد و دیگری در جلسات مختلف شهری گله کرد و آن دیگری شکایت کرد و از عدایه نیز هیچ صدایی نیامد تا بدانیم که اصلاً اهل خواندن می‌فروغانتند یا ما را عددی نمی‌دانند. اما آن‌چه که بیشتر از همه را شاد بود ابرام استانی احساسات دامنجان دور قاپ جنب های مدیران محترم بود که بیشترین از ریوسسی و سرپس‌شان مخموم شده و چه بسا مورد نکوهش، تهدید و تحدید قرار می‌دادند که گاه در وقت دیدار حضوری با همان مدیر از رخامت آن ناراحتی و نگرانی خیری احساس نمی‌شد.

علی‌یحال به نظرم قبل از این‌که من در این فصل حرفی برای گفتن داشته باشم، این مدیران و مسئولین ما بودند که ثابت کردند که تحمل نقد و طنز را داشته و زیاد اهل مته به خشخاش گذاشتن نیستند.

حرف‌هایی که در این یک سال بر ساقیتز نوشته شد وحی منزل نبوده که خالی از خطای غیرعمد باشد ــ هرچندکه اگر چنین بود انتظار جوابیه و گوشرد می‌رفت ــ ولی باز اگر به سهو دل عزیز لب پریدگی افتاده، حلیت مضاعف می‌طلبم. حافظ این حال عجیب با که توان گفتم که ما بلایانیم که در موسم گل خاموشیم



فرهاد فاضل www.farhad.ir

مدیران از «ساقیتز»

به سراغ مدیرانی رفتم که طی یک سال گذشته، میزبان ساقیتز بودند. البته دستمان به بعضی‌ها نرسید و بعضی دیگر نیز ما را لایق صحبت نیافتند!

بیمان پاسبانی

هـمهی آذر پیام ساقیتز است علی‌نواده، رئیس سازمان صدایسمای استان همه مطالب آذریپام به ساقیتز می‌ماند. البته این ساقیتز جای خود دارد. ما همواره هدف‌های مشترک داشتیم و عضو یک خانواده هستیم، به نظرم می‌آید اگر نقد نباشد تغییر صورت نمی‌گیرد. «یک ماچ آب دار نثار جناب نواده» را هم خودم دیدم. برداشت شخصی من از آن ساقیتز مثبت بود، دوستان و اطرافیان گاهی می‌گفتند که چرا جواب نمی‌دهید. بعضی از آنها برخورد متفاوت داشتند...

بنده خود را یک مدیر می‌دانم اما معتمد و در مدت خدمت یاد گرفته‌ام که نقد منصفانه را قبول کنم و این پذیرفتن، حرکت رو به جلو در مجموعه تلاشگر خودم ایجاد خواهد کرد. من و سایر همکاران تا آن لحظه‌که توفیق خدمتگاری به مردم را داشته باشیم وظیفه خود را انجام خواهیم داد و جوانگو خواهیم بود. ساقیتز و امثالهم و ما باید در کنار هم قرار بگیریم و رفع اشکال کنیم و نقاط قوت را تقویت کنیم. امیدوارم نگاه انتقادی نشاط جدی ایجاد کند و باعث تحقق اهداف شود و اگر مطبوعات و رسانه‌ها درست حرکت کنند می‌توانند آینه‌ی تمام‌نمای جامعه باشند. یک سالگی ساقیتز را تبریک می‌گویم.



با من، خوب کنار آمد

محمد حسن استونجی، عضو شورای شهر تبریز

ساقیتز چسبید اما بیشتر از این تعجب‌کردم که چرا ما با این همه کنار آمده‌است! آدمی معمولی هستم و نمی‌توانم بگویم طنز انتقادی می‌تواند سازندگی داشته باشد یا نه. شاید قالب طنز در برخی موارد بر حقیقت غلبه کند. شاید هم نه! هر حال بهتر است از آدم‌های هنری بپرسید. اما هر تغییر چهتی در انسان با حکمت می‌کند (با خنده) باید بگویم ورزش کرده و کم خوری می‌کنم اما قبول‌کنیم که ماهیت کار تاثیر دارد و شغل بنده طوری جهت‌یابد در روحیه آدم باشد.

راستش را بخواهید در کوچه راه می‌رفتم که از دفتر تماس گرفتند و خیر ساقیتز را برایم گفتند. همکاران هم برداشت مثبت داشتند. ساقیتز در مورد من نه، اما در مورد بعضی‌های دیگر به خلقت خواندنی ایراد گرفته بود. بعد بود به فعالیت های اجتماعی و برخوردهای شخص بپردازد. پذیرش نقد، روحیای می‌خواهد و تحمل مدیران ما هم خیلی کم است. خیلی ساده است صندلی مدیریت ارث پدری کسی نیست که بخواهد دائم در اختیار او باشد. مدیران باید روحیه انتقاد‌پذیری داشته باشند. در مجموع، ساقیتز پذیرفته شده است اما باید بیشتر از این‌ها زمینه سازی شود. ساقیتز اگر ادامه داشت، آرام و نرم بگوید تا بیشتر پذیرفته‌شود!



ورزش هم می‌کنم!

دکتر رسول درسخوان، عضو شورای شهر تبریز

در چسبندگی ساقیتز شکی نیست، در مورد من بی‌ملاحظه بود و ای کاش ساقیتز‌نویس محترم با من مصاحبت می‌کرد و



سپس قلم را به دست می‌گرفت! در مورد بنده زاده‌که اشاره شده بود، مدت «کوفتمان» را به گفتمان بدل کرده و فرزندم را در ایام انتخابات تحريم و خانه نشین کردم، قضیه آنگونه نبود که مردم ساقیتز نگاشته‌شود؛ بنده زاده به خاطر اینکه از صبح تا شب در ستاد فعالیت می‌کرد احساس کردم که به تحصیلاتش لطمه خواهد خورد و از خواستم در وقت های اضافی که دارد سراغ ستاد انتخاباتی برود، همین، در مورد این‌که اهم خلصت است افزاری من این است که قبل از ورود به هر مکانی ابتدا شکم‌ام دخول می‌کند (با خنده) باید بگویم ورزش کرده و کم خوری می‌کنم اما قبول‌کنیم که ماهیت کار تاثیر دارد و شغل بنده طوری نیست‌که تحرک بیشتری داشته باشم! به هر حال با توجه به اینکه در روزهایی که در ستون ساقیتز حضور داشتم دانشگاه تعطیل بود و چندان عکس‌العملی از سوی اطرافیان ندیدم...

اینکه چرا جوابیه ندادم به این دلیل بود که از بچه‌های آذریپام حرکت‌های مثبتی دیده بودم. نقد می‌تواند در اصلاح و سازندگی نقش داشته باشد. اما باید در مورد افراد، کنکاش بیشتری شود.



نیش نزنید

محمدعلی ذبیحیان، فرماندار شهرستان تبریز

ساقیتز را نخواندم.

به کسی غیر از خدا بلد قربان نمی‌گویم و کار را برای رضای خدا انجام می‌دهم. اگر در کنار کار، انتقادی شود و نقش سازندگی داشته باشد قبول می‌کنم، اما اگر نیش بزنند نه تنها خودم بلکه به اطرافیان هم سفارش می‌کنم که عکس‌العملی نشان ندهند و محل نمی‌گذارم! اما اگر انتقاد درست باشد هم

قیان ز» می‌گویند

در ایمن روزگار آشفسته، نباید فرصت طنز گرمی‌داشته شود و گرنه فرصت به دست دشام خواهد افتاد.



جایی برای انتقاد نمانده

دکتر شکور اکبرنژاد، نماینده مجلس

ساقیتز را خواندم و چسبید. اما اینکه نقش سازندگی داشت یا نه؛ شاید در زبان بگویم داشت اما در عمل فرق کند. بنابراین باید به مرور این تاثیر گذاری دیده شود. نقد باید باشد ولی متأسفانه در جامعه ما کمتر دیده می‌شود و گاهی برخوردهای تند و بی‌جا می‌شود و دولتمردان جایی برای نقد نگذاشته‌اند. ساقیتز هم ادامه داشته باشد.



با طنز، تخریب نکنید

دکتر شهرام دبیری، رئیس شورای شهر تبریز

متأسفانه مطلب ساقیتز را ندیده‌ام! از محتوای ساقیتز بگویند تا جوانگو باشم!

در مورد اینکه نیت من از ریاست شورا، جاده صاف کنی برای تکمیل بیمارستان شخصی است، اینگونه نیست و ارتباطی با ریاست شورا ندارد. البته فرض محال هم نیست و اشکال هم ندارد! اما بدانید که برای زمین‌با کاربری بهداشتی در ولی امر، چهار ماه طول کشید تا از شهرداری منطقه ۵ مجوز بگیرم در حالی که قبلاً چهار روزه مجوز می‌گرفتم! این را نمی‌شود انتقاد خواند، تخریب است. اگر حرکتی کرده باشم که خطا باشد و گوشرد کنند مطمئناً قبول می‌کنم، انتقاد را می‌پذیرم و خود را اصلاح می‌کنم. در راستای شعارهایی که در ایام انتخابات داده‌ام حرکت می‌کنم، سعی کردم حاشیه‌ها را کم کنم و به فکر توسعه شکر می‌باشم. اینکه ساقیتز‌نویس گفته است در دور اول شورای داریند را به گوش ما برسانند. بر خلاف آنچه که بعضی‌ها می‌گویند، بنده مردم هستم و انتقاد‌پذیر.



طنز را باید گرمی‌داشت

سید قاسم ناطمی، مدیر عامل سابق سازمان فرهنگی هنری شهرداری

عزیزمخ اینکه زیاد اهل ساقیتز جویندن نیستم، اما برایم جالب بود و حتی آن شماره را به یادگار نگه‌داشتم...ام. ساقیتز را از بیجگی به یاد دارم، ساقیتز شما را به خاطر دارم و افتخاراً می‌بینید که هرگز ناهه است! آنچه در مورد من نگاشته کنار نیامد. آدم باید از زندگی اش سیر شود! شوخی می‌کنم نوشت، در ابتدا رئیس دفتر خبرش آورد و راستش را بگویم که کمی هم آشفته بود. اما چون خبرش را قبلاً شنیده بودم زیاد تکان نخوردم. البته درست یادم نیست چون روی صندلی چرخان نشسته بودم و شاید هم تکان دهنده بود!

برخی می‌پرسیدند که «آذریپام را دیده‌ای؟» طوری می‌پرسیدند سر تکان می‌دادندکه نوعی همدردی و تاسف‌افز آن استنباط می‌شد. اما واکنش من به آنان متفاوت بود. به گمان من در مقابل جلال و جبروت خودساخته‌مدیران، تنها طنز می‌تواند برای نزدیکی مسئولین و مطبوعات فرصت ایجادکند و ساقیتز تا حدودی توانست‌که این‌گیرایی خودساخته را بشکند و حرف دل مردم را با زبان متفاوت و گوش‌نما آنها برساند. نکته بارز ساقیتز بود و گاه مللق و دست نیافتنی ست!

»

»

دو فنتجان «ظهور»؛ با شکر لطفاً! کارت سوخت، سهمیه‌بندی بنزین و ظهور امام‌زمان(ع)

...بخش سوم...

«کارت سوخت: «به سایت عاشقان فرزند حسنی خوش آمدید...» شما جای من باشید چه می‌کنید؟ این تیر اول یکی از سایت‌های ایرانی است که عده ای از طرفداران و دوستداران مجری تلویزیون جناب «فرزاد حسنی» ثبت‌کردند. رفتار و اخلاق «شومن»‌هایی چون فرزاد حسنی بیشتر از آنکه منشاء فردی داشته باشد محصول سیاست‌های است که صدا و سیما در این چند سال اخیر دنبال کرده است. صدا و سیمای امروز ما به دنبال نوعی «روشنفکری خفیف» است و سعی می‌کند به تدریج و آهسته این مسیر را طی کند تا مبادا واکنش و بشیهای فرهنگی و دینی جامعه را برانگیزد. شاید علت اصلی این گرایشات صدا و سیما بیشتر به شرایط جامعه برمی‌گردد. شاید و سیما سعی در جذب مخاطب دارد و در این مسیر حاضر به هر گونه افراط و تفریط نیز می‌شود.

منظور بنده ر مطلق این رویه و منلق نیست؛ چراکه اگر زبان لال روزی روزگاری خود بنده هم به جای آقای ضرغامی باشم، همین رویه را ادامه خواهم داد. اما مسئولان این است‌که آیا دیدارنان حقیقی و آنانکه به عمق حقیقت اسلام رسیدند! می‌توانند رابطه ای بین دین و معنویت صدایسمایی با دین حقیقی برقرارکنند؟! دین و معنوعیتی که صدا و سیما به دنبال آن است نسخه‌ای از دین است که بیشتر به درد دنیا می‌خورد تا آخرت! شخصیهیای دیدنار تلویزیون هیچ شایه‌ای با دیدنارنار حقیقی و اهل معنا ندارند! اسمیای واقعی اهل معرفت و سالکان طریقت غیر از آن چیزی است که در سریالها و فیلمهای تلویزیون از آنها ارائه می‌شود. رفتار و اعمال دکتر سریال «آخرین‌گناه» که منلأچشم بصیرتش باز شده و صورت اخروی اعمال انسانها را مشاهده می‌کند، هیچ سنسیتی با اعمال و رفتار یک آدم اهل معنا ندارد! آیا صرف داشتن وجدان کاری و مبارزه با خیانت می‌تواند دلیلی بر عرفان و سلوک باشد؟ اگر اینطور است پس اکثریت مردم اروپا در قله های عرفان و معنویت سیر می‌کنند!! اما مثلاً در سریالی دیگر شخصیتی که پس از مرگ زنده شد و بعد از مشاهده عالم بزرگ دوباره به دنیا برگشته تا کارهای دیگران را راست و درست کند بصورت یک انسان ملام معمولی تصویر شده است! طرف باز هم مثل گذشته سوزا ماشین آنتیناچش می‌شود و همان زندگی اشرافی و مادی را بی می‌گیرد! با چند صحنه نمایش مراسم احیاء و عزاداری نمی‌شود معنویت را به زور در کل فیلم تزریق کرد! نگاه پوروزایی به دین و معارف آن‌ناجعه می‌آفریند... و همین می‌شودکه بازگر شخصیتی که از عالم برنخ برگشته و قرار است برای من مخاطب معنویت و اخلاق را تداعی کند، چندی بعد سر از یک فیلم غیراخلاقی درمی‌آورد!

به‌اعتقاد بنده «دین هنری» بدون وجود «هنرمند دیدنار» محقق نخواهد شد. هنرمندی که خودش در کوره معنویت و عرفان ذوب نشده باشد محال است بتواند آثری آفریند که روح مخاطب را به تعالی برساند. چند نفر می‌توانید یاد کنید‌که پس از تماشای چنین منخرقانی تغییر عمده و پایداری در اعمال و افکارشان ایجاد شده است؟ نگاه‌سطحی و دنیایی به دین و آموزه‌های آن آفتی است‌که گریبان تولیدات صدا و سیما را گرفته است. پایان سخن اینکه تلویزیون مبلغ خوبی برای دین نیست و اصلاً این انتظار از تلویزیون با توجه به ذات رسانه بودن آن (که صرفاً وظیفه سرگرمی مخاطب را به عهده دارد) شاید انتظاری بی‌مورد است. امام زمان (ع.ج)، دعا، عبادت، معنویت، نماز، عشق و صدها مفهوم قدسی دیگر برای مجریان تلویزیون به منزله نقل و نباتی هستند که به راحتی توی دهانشان می‌چرخانند. فقط انتقضای بزنامه هاست که جنس این نقل و نبات‌ها

را تعیین می‌کند!! روزی کارت سوخت، بنزین، گازوئیل و سهمیه‌بندی و روز دیگر امام زمان، ظهور، انتظار و تعجیل فوج و... دلم برای آقا می‌سوزد که شومن های تلویزیون هم ادعای عشق و معرشت را دارند!!

را تعیین می‌کند!! روزی کارت سوخت، بنزین، گازوئیل و سهمیه‌بندی و روز دیگر امام زمان، ظهور، انتظار و تعجیل فوج و... دلم برای آقا می‌سوزد که شومن های تلویزیون هم ادعای عشق و معرشت را دارند!!



سید نورمحمدزاده hazanepaak.blogfa.com